

# جوانان کمونیست ۱۲۹

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲۸ بهمن ۱۳۸۲

۱۷ فوریه ۲۰۰۴

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
منصور حکمت



## هفته ما!

.... پوسترهایشان را پاره کنید و ده های تبلیغاتی شان را در هم بشکنید. آنها را هو کنید و با شعار آزادی برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی آنها را فراری دهید، همان کاری که جوانان و مردم آزادخواه میروان کردند. پوسترهایشان را در آشغال‌دانی بریزید و پوستره های آزادی

برابری را بجای آن نصب کنید. در دیوار شهرها را با شعارها و مطالبات آزادخواهانه خود پیوشانید. در تجمعات خود یاد جانبازان خاتون آباد و بابک شهر را گرامی بدارید و خواهان محاکمه قاتلین کارگران شوید، همان کاری که مردم آزادخواه سنجند کردند. یاد قربانیان بم را گرامی دارید و حکومت اسلامی را محکوم کنید. از حقوق زنان دفاع کنید، از اعتصابات و اعتراضات معلمان و کارگران یا تمام قوا دفاع کنید، خواسته های آنها را بر در و دیوار بنویسید و رژیم را در محاصره



## صدایم میرسد؟! فواد عبدالمهدی

هشتم مارس، روزی که می تواند سرنوشت ساز باشد، نزدیک است، روزی که می تواند غل و زنجیر مذهب و مرد سالاری را از هم پاره کند. می تواند انقلابی علیه وضع موجود باشد. علیه تمام هستی و نیستی ایندولوزی کثیف اسلامی در جامعه ایران و سراسر جهان. این روز را میتوان و باید به روز قطع کردن دست مذهب از زندگی مردم تبدیل کرد. باید به شعار آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی، چسبید. در این روز باید مارش آزادی زن دمیده شود و سوزاندن حجاب و پوشش و قوانین اسلامی به نمایش گذارده شود. باید روز بر افراشتن پرچم سرخ زنان و مردان تشنه آزادی و برابری باشد. باید در خیابانها رژه رفت و حول مطالبات و خواسته های رادیکال و انقلابی زنان متشکل شد. باید بوی انقلاب، آزادی، زندگی، عشق، برابری، محبت و عاطفه های انسانی را سراسر جامعه حس کنند. روز جارو کردن آن حکومت و قانونی است که مانع ارضای میل و هستی طبیعی میشود و به آنچه که طبیعت می خواهد و باید باشد، اجازه عمل نمیدهد!

زنان در ایران در هستی اجتماعی و جنسی خود در معرض وحشتناکترین تبعیضات و در رنج و عذاب هستند. آنچه در جلوی چشمان ما می گذرد یک حکومت ضد زن بر پایه قوانین کثیف

صفحه ۳

## درد بر سنج سرخ!

### درد به مردم آزادخواه سنج!

پیام حمید تقوایی لیبر حزب کمونیست کارگری به مناسبت گردهمایی مردم سنج در ۲۴ بهمن

### مردم آزاده شهر سنج!

گردهمایی باشکوه شما در روز جمعه ۲۴ بهمن نمایش قدرتمندی از اتحاد و همبستگی مبارزاتی بود. چندین هزار نفر در این روز گرد آمدید تا همبستگیان را با کارگران خاتون آباد و معلمان سراسر ایران با صدای بلند اعلام دارید، رژیم جنایتکار اسلامی را بخاطر شلیک به کارگران محکوم کنید، و از طرف حزیتان، حزب کمونیست کارگری، تاج گلی را به کارگران جانبازخته خاتون آباد تقدیم دارید. درد بر شما!

سنجد شهر اول ماه مه های سرخ، شهر همایش در دفاع از حرمت و حقوق زن و شهر جشن آدم برفی در حمایت از کودکان است. سنج شهر مبارزه با ارتجاع مذهبی و آپارتاید جنسی است. سنج شهر مقاومت و تعرض است، شهر آزادی و برابری و سوسیالیسم است، شهر ما کمونیستهای کارگری است. درد بر سنج سرخ!

### کارگران، زنان و جوانان مبارز شهر سنج!

انقلابی به پهنه سراسر ایران شکل میگیرد و شما پیشتاز این انقلابید! جنبش شما جنبش ملی و بر سر خودمختاری و استقلال و فدرالیسم

نیست، سنج در این قالبهای سنتی که تمام نیروهای کمپ ضد انقلاب، از رژیم اسلامی تا احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد میکوشد به آن تحمیل کنند نمی گنجد. جنبش شما رنگ ملی و منطقه ای ندارد، درد شما درد همه مردم ایران، و راه رهائی شما راه همه است. شما بر علیه مذهب و آپارتاید جنسی، علیه فقر و استثمار و برای آزادی و برابری میجنگید. و این نبرد کارگران، نبرد کمونیسم کارگری در سراسر ایران است. شما در ۲۴ بهمن نشان دادید گردهمایی های توده های وسیع مردم در همبستگی با یکدیگر، در تعرض به رژیم بحران زده جمهوری اسلامی و با پرچم حزب کمونیست کارگری همین امروز و با همین تناسب قوا کاملا ممکن است. پیا خیزید و با پرچم آزادی و برابری متحد و یکپارچه به رژیم تعرض کنید! این فراخوان حزب ما، و امروز پیام شما مردم مبارز سنج، به همه مردم ایرانست: به کارگران که در کرمان و بم و اراک و تهران و اصفهان و در سراسر ایران دمی از مبارزه باز نایستاده اند، به معلمان که در ایجاد سراسری و گسترده پیمان می آیند، به دانشجویان که پرچم آزادی و برابری و همبستگی با کارگران پتروشیمی را در ۱۶ آذر بر افراشتند، و زنان که در تظاهرات تیر و خردادماه چادرها را بلور افکندند و بر علیه آپارتاید جنسی شعار دادند. این جنبش با پرچم



حزب ماست که همه جا شکل میگیرد و رخ نشان میدهد. صفوف این مبارزه باید گسترده و متحد شود، متشکل و هماهنگ شود و یکپارچه پیمان بیاید! تجربه ۲۴ بهمن سنج گام بلندی در این جهت است. این تجربه ایست که باید در همه شهرهای ایران الگو قرار بگیرد و همه گیر شود. و حزب ما با تمام توان در این راه مبارزه میکند.

### مردم آزاده سنج!

انقلابی به پهنه سراسر ایران در حال شکل گرفتن است. انقلابی که به چیزی کمتر از زیرو رو کردن نظام اسلامی سرمایه و برقراری جامعه ای رها و مرفه و برابر، برقراری جمهوری سوسیالیستی رضایت نمیدهد. حزب ما در کنگره اخیر خود عزم و اراده راسخ را برای سازماندهی و رهبری این انقلاب اعلام داشت، و ۲۴ بهمن سنج حقانیت و امکانپذیری راه حزب را اعلام میدارد.

یکبار دیگر به شما درد میفرستم و دستاورد و پیشروی های هر چه بیشتری را در مبارزه در راه آزادی و برابری و سوسیالیسم برایتان آرزو میکنم.

### حمید تقوایی

۲۵ بهمن ۱۳۸۲، ۱۴ فوریه ۲۰۰۴

## و اصفهان! یکشنبه اتفاق افتاد

### ما به رحمان حسین زاده رای میدیم!

امروز یکشنبه ۲۶ بهمن ماه خیابانهای فروغی، بزرگمهر، میر و نظر شرقی در شهر اصفهان مملو از پوسترهایی از رهبران حزب کمونیست کارگری علی جوادی و رحمان حسین زاده بودند. نیروهای امنیتی رژیم اسلامی در حالیکه مورد تمسخر جوانان و مردم محل قرار میگرفتند، بعد از ۳ ساعت موفق به جمع آوری این پوسترها شدند.

همچنین در این مراکز و در اماکن عمومی شاهین شهر شعارهای «ما به رحمان حسین زاده رای میدیم!» و «شعارهای انتخاباتی رحمان حسین زاده: لغو حجاب، مرگ جمهوری اسلامی و آزادی و برابری» به کرات دیده میشود.

در شاهین شهر همچنین امروز جلسه انتخاباتی یکی از نمایندگان سابق مجلس بغام محمدی با اعتراض جوانان روبرو شده و برهم زده میشود. بعد از برهم خوردن شدن این جلسه، مامورین امنیتی رژیم به فرماندهی مزدوری بنام شمس به جوانان حمله کرده و آنها را از محل دور میکنند.

دیروز مردم و جوانان میروان و سنج و امروز جوانان اصفهان و شاهین شهر نشان دادند که با مضحکه مراسمهای انتخاباتی رژیم چگونه باید رفتار کرد. ابتکارات این جوانان باید در همه شهرها و مراکز انتخاباتی رژیم به کار بسته شوند.

سازمان جوانان کمونیست همه جوانان را به برهم زدن بساط انتخابات رژیم فرامیخواند

مرگ بر جمهوری اسلامی! زندباد آزادی، برابری حکومت کارگری

سازمان جوانان کمونیست  
۲۶ بهمن ۱۳۸۲ - ۱۵ فوریه ۲۰۰۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## روز والنتاین، رویاهای اسلامی

یاشار سهندی، تهران

به جیب حاج آقا میریزند.

عید مبعث؛ این یکی انصافا استحقاق جهانی شدن دارد. در این روز همه ساکنین کره زمین توی سر خودشان میزنند همراه با دف که اگر این جناب محمد به رسالت نمی رسید الان نجاست دنیا را بر میداشت. در این روز ساکنین سیاره زهره نیز در می یابند چونکه رسول نداشتند به آنجا تبعید شدند.

تولد بی بی فاطمه زهرا؛ در این روز برای اینکه خیال همه راحت شود یک چادر مشکی روی کره زمین میکشند و بعد حسابی آن زیر میزنند و میرقصند. بیچاره اهالی اورانوس فکر میکنند زمین مرده است!

نیمه شعبان؛ این یکی ذاتش اصلا جهانی است. در این روز جهانیان شیرینی و شربت میل میکنند و هی صلوات می فرستند که «بیا جون جدت کرده همه را بزنا!»

عید ۱۱ سپتامبر؛ (که گویا با همان نیمه شعبان اشتباه شده است) در این روز یک چند هزار نفری را در میان آنها بلند جا میدهند و بعد یک عدد ای را هم بعنوان مسافر سوار هواپیما میکنند تا آن ساختمانها بزنند و خودشان و آن چند هزار نفر را منفجر کنند و بقیه مسلمین (بخشید جهانیان) برای همه شان کف میزنند و هلله میکشند. در پایان نیز ۲ رکعت نماز شکر به جا می آورند.

خوب در همین شرایطی زمین که سهل است به کل منظومه شمسی گند خواهند زد. تمامی سیارات منظومه به سرعت نور فرار را بر قرار ترجیح میدهند و بر سر در منظومه میگویند: «منطقه خطر! اگر از جان خود سیر شده اید به زمین بروید!»

روز والنتاین آمد و رفت. توی این روز عشاق جوان دل دادن و قلوبه گرفتن و اسلامیت ها خون خوردن که این دیگه چه رسمی است. تصویر اینکه از بالا به کره زمین نگاه کنی و ببینی که در گوشه و کنار جهان گل رز رد و بدل میشود خیلی زیباست. اما امان از این نویسندگان اسلامی و ملی که هنرشان این است تا هر چیز قشنگی را به گند بکشند. در روزنامه شرق خواندم: «جوان ایرانی برای بهانه ابراز محبت به دنبال گونه غیر ایرانی میروند و تقصیر از این تعمیم جهانی دیگران نیستند. که ما برای مانده گاری آیین خود هیچ نکرده ایم. در دین اسلام نیز جشن های مذهبی بسیاری است که قدرت جهانی شدن داشته اند. همچون کاتولیک های که روز ۱۴ فوریه خود را جهانی کردند...»

به همچه آدمی چه باید گفت؟ حالا کاری بهش نداریم، بگذارید ناخن هایش را بچود که یک به هیچ به نفع کاتولیک ها شده است. اما تصورش را بکنید که «جشن های مذهبی» اسلامی جهانی شود: عید قربان؛ یا به قول یک کوچولو با مزه، عید بع بیعی ها! در آن روز از گوشه و کنار جهان صدای بع بع گوسفندها به آسمان خواهد رفت و در تمام جوی های جهان (اگر هم نباشد باید کند!) خط خون جریان خواهد داشت!

عید فطر؛ در این روز همه اهل زمین سر به بیابان میگذارند و اورادی عجیب می خوانند که روحشان پاک شود و بعد اموالشان را پاک میکنند. یک آخوند دم در ورودی بیابان ایستاده و در جیبش هم بازه و خلائق کفاره گناه شان را

## «اکسی پارتی» نه، انقلاب!

جمال کمانگر، لندن



جوان امروز در ایران تنها یک چیز برایش مهم است. اینکه در قرن ۲۱ زندگی می کند و چگونه از شر قوانین کهنه حاکم بر جامعه و خانواده خلاصی پیدا کند. این یعنی ۶۵ درصد از جمعیت در ایران که زیر ۳۰ سال دارد. این اعتراض ویژه بصورت زیر پا گذاشتن نرمهای اسلامی حاکم نمود پیدا کرده است. اما برخی جوانان برای خلاصی از شر این سنن گاهی اوقات به راههایی میروند که ضرر را متوجه خود آنها میکنند. در فضای خفقان اسلامی موجود جوان برای ارضای نیازها و صرف انرژی سرشارش دنبال محمل و راهی است که برای چند صباحی هم شده خوش باشد. این روزها در ایران بعد از تریاک که ۶۰ درصد از مواد مخدر مصرفی مبتلایان را تشکیل میدهد قرصهای انرژی زا موسوم به «اکساز» هم به جمع مواد مخدر مصرفی جوانان افزوده شده است. درست بیخ گوش حرم معصومه قم جوانان

گروههای راک و متال و غیره تشکیل می دهند و علنا در جمع های چند ده نفره قوانین اسلامی را زیر پا میگذارند. متأسفانه این دهن کجی به اسلام و قوانینش بعلت عدم آگاهی از عوارض این قرصها و همچنین فضای بسته اطلاع رسانی جوانها را با خطر لطمه زدن به سلامت جسمی و روحی شان روبرو میکند.

راه انداختن «اکسی پارتی» در ایران کم کم رواج زیادی پیدا کرده است. یکی از کسانی که در این پارتیها شرکت کرده است میگوید: «از

دست پدر و مادر و محیط خانواده خسته شده بودم. می خواستم که راهی برای خلاصی از این وضعیت پیدا کنم که این قرصها به من پیشنهاد شد.» امر و نهی به جوانان، تضاد بین نسل جوان با سنت و آداب و رسوم حاکم بر خانواده و جامعه اسلامی، عدم درک نیازها و خواست های جوانان فضای طغیان را به اوج خود رسانده است. اما این طغیان باید متوجه مسبب اوضاع فعلی بشود. حکومت اسلامی ۲۵ سال است که برای باز تولید کردن ارتجاعی ترین سنن و قوانین اسلامی تلاش می کند. مسبب اصلی تمام مشقات موجود قبل از هرچیز رژیم اسلامی است. شرط خلاصی تمام و کمال از این وضعیت در وهله اول بزیر کشیدن نظام پوسیده اسلامی است که مثل خوره روح و روان همه را جویده است. باید همراه با حزب کمونیست کارگری ایران جامعه ای آزاد و برابر و مرفه از عوارض این قرصها و همچنین فضای بسته اطلاع رسانی جوانها را با خطر لطمه زدن به سلامت جسمی و روحی شان روبرو میکند. راه انداختن «اکسی پارتی» در ایران کم کم رواج زیادی پیدا کرده است. یکی از کسانی که در این پارتیها شرکت کرده است میگوید: «از

سازمان یافته و بعضا خودجوش ابتکار عمل را بلست میگیرند. قیام بهمن دارد «کام بک» میکند. جمله معروف لنین «هنگامی که بالائی ها دیگر نمیتوانند به شیوه قدیم حکومت کنند و پائینها نمیتوانند همانند گذشته تحمل کنند، انقلاب فرامیرسد» در فضای ایران نطنین میاننازد. برحمت ایزدی پیوستن دوخرداد و لگد برداری برداران در طویله دارالخلیفه در مواجهه با مطالبات مردم و سفارشات دول خارجی از یکسو و نه بزرگ مردم به تعزیه انتخاباتی اوپاش اسلامی و کلیت نظام حاکم، همگی پیش پرده و صحنه ساز یک انقلاب عظیم میشانند که خوشبختانه اینبار پرچمش در دست انقلابی ترین، انسانی ترین، مدمترین و مستقل ترین رهبر طبقه کارگر ایران، حزب کمونیست کارگری است. اوضاع شدت متحول است، اگر حضور ناهنگام پرنس چارلز در تهران گواه این مدعا نیست، سری به سایت اینترنتی بی بی سی بزیند. سانسورچی های صوت الارتجاع بی بی سی روی رژیم اسلامی را هم سفید کرده اند. در ۲۳ بهمن، سایت فارسی این حضرات فقط این وقایع ردیف شده و در این شیبور تبلیغاتی دمیده شده است: «حکم حکومتی آیت الله خامنه ای، سفر پرنس چارلز، پذیرش پرونده کاظمی توسط عبادی، و سقوط یک هواپیمای دیگرو»، کلیه اعتصابات و اعتراضات کارگری، اعتصابات معلمان، زنان و گردهمائی های بزرگ مردم اغلب شهرهای ایران که در ساندنخ سرخ به اوج خود رسید، روی رادار این بنگاه تبلیغاتی معظم الارتجاع و ضد انقلاب ظاهر نمیشود، اگر هم بشود اخبار آن از زیر تیغ شمشیر سانسور بی بی سی که از ذوالفقار علی نرم تر و بی صداتر میبرد جان سالم بدر نخواهد برد. بنظر میآید که صدای خروش و پیوستن جویبارهای مبارزاتی کارگران، معلمان و دانشجویان، جوانان و زنان به سیل انقلابی که در راه است برای دست اندرکاران بخش فارسی بی بی سی حکم لالائی را دارد و به عمق خویشان میافزاید. نه علت این است که اینبار هنوز نتوانسته اند مرتجعی نظیر خمینی پیدا کنند که عکسش را در ماه بکشند. اینبار ما اجازه بهشان نخواهیم داد. بنظر میرسد فقط با اردنگی انقلاب این حضرات به گزارش و خبرهائی که مردم ایران سازنده اش هستند تن خواهد داد. نوش جان شان!

## رویدادهای هفته

اسعد کوشا

### نوش جانشان!

هفته ای که گذشت سالروز قیام بهمن بود. سالها کشت و کشتار کردند و میلیونها تن نجاست اسلامی بر جامعه پاشیدند تا شاید اثرات آزار خنثی کنند. لیکن در سالگرد قیام بهمن ما روشنتر از هر زمان شاهد رشد تساعدی اعتراضات به کلیت نظام اسلامی و همبستگی و یکی شدن جویبارهای مبارزاتی مردم بودیم. از مقطع فاجعه و کشتار بم و خاتون آباد، مردم مستقیما و در گروههای

پوشانند. انگار که ساز ناموس لاریجانی است باید روسری سرش کرد. یا انگار ساز مثل نور برای دراکولای اسلام است. در این چند ساله و فشارهای جهانی و گسترش رسانه هایی نظیر ماهواره و اینترنت به حلی شده که پیش رژیم توحش اسلامی ریخته. دیگر مثل گذشته جرات اعدام و سنگسار را ندارد. واقعا جوانان این رژیم را با پس گردنی به عقب رانده اند. جوانان امروز اصلا محلی به حجاب و مزخرفات مورد نظر رژیم نمی گذارند. بر عکس هرچه که موجب حساسیت رژیم است مورد توجه قرار میگیرد. در خیابان های امروز شهرهای ایران دختران و پسرانی را شاهدیم که با سازهای مختلف ایرانی یا غربی به محل تمرین و نواختن میروند.

## رژیمی که از ساز میترسد!

مهران عظیمی، ایران

خود ادب کنند. اوپاشان در کمال وقاحت اتوموبیل های شخصی را تفتیش میکردند تا مبادا نوار موسیقی در ضبط صوت فرد یافت کنند. هر گونه تصویر و صدای ساز سخت مورد غضب بود. البته رژیم به مناسبت های مختلف از موسیقی بهره برداری میکرد تا جاییکه بسیاری تصویر میکردند که رژیم ملایم تر شده، اما مجددا سختگیری آغاز میشود. هرگونه آموزش موسیقی قدغن بود. صدا و سیمای لاریجانی در برنامه های موسیقایی خود جلوی سازها را با گلدان می پوشانند! و هنوز هم می

جمهوری اسلامی به منظور سرجا نشانیدن مردم و قدرت نمایی چنان عرصه را بر مردم تنگ کرده بود که به هر مجلس جشن و سرور و عروسی حمله ور میشد. هنوز هم میشنویم که به منزل فلانی برای توقیف ماهواره حمله ور و کلیه نوارها و آلبوم های خانوادگی را با خود برده اند. رژیم در سالهای پیش جلوی هرگونه کنسرت موسیقی را میگرفت و اگر هم مجوزی صادر میکرد، سپس اوپاشان حزب الهی را راهی آنجا میکرد تا همه به زعم

## از طرف «اینها» جواب به آقای مینویی

### مزدا مزدا، آمریکا

«نامه سرگشاده» آقای پرویز مینویی به آقای سمندری زاده مدیر مجله گلچین در هیوستون، در مجله ایرانمهر چاپ شده بود. آقای مینویی در این نامه مرتباً از اشخاصی به نام «اینها» صحبت میکند که با توجه به نشانه‌های که می‌دهند به طور واضح مشخص است که طرف صحبت ایشان حزب کمونیست کارگری ایران است. حداقل از ایشان این انتظار بود در این نامه به اصطلاح «سرگشاده» از این جریان نام ببرد. ایشان مدعی هستند «اینها» وقتی چشمشان را باز می‌کنند کارگران تولید زا را در اروپا نمی‌بینند که در چه ناز و نعمتی زندگی می‌کنند و از همه امکانات زندگی بهره‌مند هستند که بر خلاف ۲۰۰ سال پیش در معرض خطر آسیب دیدگی، مرگ یا اخراج قرار ندارند. عجب! من در اینجا مطلبی از ماه نامه لوموند فرانسه که به فارسی منتشر می‌شود را نقل می‌کنم: طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار همه ساله بالغ بر ۲۷۰ میلیون کارگر و کارمند در جهان قربانی سوانح ناشی از کار شده‌اند که ۱۶۰ میلیون نفر از آنها به بیماری‌هایی مبتلا می‌شوند که ارتباط مستقیم با حرفه شان دارد. این تحقیق نشان می‌دهد که شمار کارگرانی که جین انجام شغل خود جان می‌سپارند، ۲ میلیون نفر در سال است... آقای مینویی این آماری است که «اینها» (یعنی حزب کمونیست کارگری) از شکم خود بیرون نیاورده بلکه، آمار رسمی خود دولتهای «آنها» می‌باشد که شما سنگشان را به سینه می‌زنید. این رفاه نسبی در کشور های اروپایی هم که می‌بینیم اولاً با دوست سال جنگ و جدال و کشته دادن کارگران بدست آمده و کسی به آنها لطف نکرده و ثانیاً روی دیگر سکه آن رفاه نسبی اینست که در کشورهای آسیای دور و جهان سومی کارگران با ساعتی ۳۰ سنت و پنجاه سنت کار می‌کنند.

ایشان مدعی هستند «اینها» (یادتان که زفت، منظورشان حزب کمونیست کارگری ایران است.) بر ضد مخالفان جمهوری اسلامی وارد گود می‌شوند و در ادامه می‌نویسند به محمد خاتمی و دیگر سران جمهوری اسلامی که با سران دولتهای اروپای در حال مذاکره هستند کاری ندارند ولی در گوشه دیگر اروپا در مقابل ساختمان

جایزه که هدف آن ادامه حفظ این وضع و همین جمهوری اسلامی است افتخار می‌کنید؟ آقای مینویی دریغ از یک جو شرف انسانی. شما رفقای کمونیست و آزادیخواه مرا که خود قربانی این رژیم خونخوار هستید با جمهوری اسلامی یکسان می‌دانید؟ در حالی که «اینها» همواره برای حاکمیت انسان و انسانیت بدون هیچ قید و بندی تلاش کرده‌اند. یکی از نمونه‌های آن اینست، زمانی که تمام گروه‌های سیاسی در توهم و دودلی در لغو حکم اعدام بودند، زمانی که بعضی از گروه‌ها از اعدام انقلابی صحبت می‌کردند، «اینها» به طور قاطع خواهان لغو اعدام در تمام جوانب آن بودند. آن هم به خاطر ارزشی که برای وجود انسان قائل بودند. آقای مینویی همه ما خوب می‌دانیم که جمهوری اسلامی در زارتین موقعیت خود در ۲۵ سال اخیر است و به سرنگونی خود نزدیک می‌شود، ولی سرنگونی از چه طریق؟ همه پرسى؟ یا انقلاب؟ قاعدتا مردمی که تنفر از جمهوری اسلامی در رفتار و گفتار و اعمالشان مشخص است اگر به خیابان بریزند به فراندوم راضی نخواهند شد و تا یکسره کردن کار رژیم و سرنگونی آن پیش خواهند رفت. البته احساس شما قابل درک است چون با یک انقلاب جایی برای امثال شما نمی‌ماند. پس باید کاری کرد، تا تغییرات از بالا صورت گیرد و مردم را بعد از مدتی به خانه‌هایشان بفرستند و دوباره یک عده مفتخور سرمایه دار قدرت خود را بر مردم تحمیل کنند، البته این بار به شکل دیگری. ایشان تنها راه رهایی ایران را در اتحاد ایرانیان جمهوری خواه، مشروطه خواه، ملی مذهبی، چریک، مجاهد و «کمونیست اندیشمند» می‌بینند. تمام دغدغه ایشان، نجات ایران آن هم با سران گروه‌های مختلف است و تنها چیزی که برای ایشان مهم نیست خود مردمی هستند که با خون و دل در حال زندگی هستند. ایشان با ماشین مضحک اتحاد قصد فریب مردم را دارند تا به مانند سال ۱۳۵۷ مردم را سرکار بگذارند. در حالی که مردم آزادی خواه و آگاه ایران دیگر فریب نخواهند خورد و خودشان حاکم بر سرنوشت خود خواهند شد. و اینهم کار «اینها» خواهد بود.

مزدا مزدا، ۲۲ سال دارد، یکی دو سال قبل به آمریکا رفته، حزب کمونیست کارگری را بر روی اینترنت پیدا کرده و اکنون عضو سازمان جوانان کمونیست است.

## «بی‌خدایان» منتشر شد! گفتگو با اعظم کم‌گویان



### جوانان کمونیست: چرا به پای

انتشار نشریه بی‌خدایان رفتید؟ چه ضرورتی برای این پروژه هست؟

**اعظم کم‌گویان:** ضرورت یک مبارزه صریح و همه‌جانبه علیه نفوذ دین و برای جایگزین کردن کلام و اراده و قانون انسان به جای کلام و اراده و قانون خدا، این پروژه را ایجاد کرده است. بیست و پنج سال حاکمیت اسلامی در ایران، برای میلیون‌ها انسان بخصوص نسل جوان تردیدی در مورد محتوای ارتجاعی اسلام در مقابل حقوق زنان، آزاد اندیشی، تجدد خواهی، برابری طلبی و آزادی‌های سیاسی و فرهنگی باقی نگذاشته و آنها را به مصاف علیه ارزشهای اسلامی و حکومت مذهب کشانده است. به درجه‌ای که اسلام حاکمیت خود را بر زندگی و شئون مردم در این جوامع تحمیل کرده، به همان درجه هم ضرورت اسلام زدایی را از زندگی مردم مقذور و اجتناب ناپذیر کرده است. هر اندازه وحشی‌گری خود را به جوانان و زنان تحمیل کرده، مقاومت ضد مذهبی عمیق‌تر و بیشتری را موجب شده است. امروز مبارزه علیه حاکمیت اسلامی، اخلاقیات و روابط عقب مانده اسلامی و کل ارتجاع اسلامی بخشی از مبارزه وسیع و همه‌جانبه مردم برای خلاصی فرهنگی، برای آزادی از دین و رهایی از یوغ باورهای خداپرستانه و برای بخشیدن هویت و اختیار به انسان است. این جنبش باید به رابطه انسان با خدا که خود را از طریق نفوذ دین و حاکمیت اسلام و الله اعمال می‌کند، خاتمه بدهد. باید قرآن و اسلام را از طریق یک مذهب زدانی پیگیر و یک مبارزه روشنگرانه به گذشته تبدیل کنیم.

### جوانان کمونیست: انتظار شما

از سازمان جوانان کمونیست چیست؟  
**اعظم کم‌گویان:** طبعاً کاری که من می‌کنم بخش مهمی از فعالیتی است که شما هم پیش رو دارید. این عرصه، اولویت کار من و هم شما است. همکاری نتگانتگ با این نشریه، پخش وسیع آن، تشویق فعالین سازمان جوانان کمونیست در نوشتن برای این نشریه، معرفی وسیع آن به دیگران و طرح نقطه نظرانتشان با نشریه بسیار موثر خواهد بود. کار مشترک ما باید جنبش وسیع برای مذهب زدایی و خلاصی فکری و آزادی از دین را که در میان جوانان عمیقاً ریشه دارد، دامن بزند. فعالین سازمان جوانان کمونیست طلایه داران این روشنگری و آزادیخواهی از دین هستند. آنها باید به سلاح موثر خود در این مبارزه مسلح بشوند.

**اعظم کم‌گویان:** جوانان و زنان که پیشگامان نبرد بر علیه

از صفحه ۸

### صدایم میرسد؟!

اسلامی و مرد سالارانه است که روابط کریه و ضد انسانی را حاکم کرده است. قهقهه، بوسه، عشق‌ورزی و حتی سیگار کشیدن (برای زنان) و علائق عاطفی انسانی در زیر سیطره نفوذ عوامل و معیارها و تنظیمات کثیف اسلامی و مرد سالارانه است. آزادی زن و پاسخ دادن به شرط برابری

زن و مرد در این روز طلایی که کمونیستها و کارگران پیشتاز آن بودند فراهم‌تر میشود. ۸ مارس روز جشن ما، روز قدرت‌گیری ما و روز عزای حکومت اسلامی است. دختران و پسران تهران، شیراز، سمنجان، اصفهان، تبریز، اهواز، مشهد، کرمان و هر کجا که صدای ما می‌شنوید برای یک ۸ مارس با شکوه آماده شوید. زنده باد ۸ مارس!



# گوش به زنگ تصرف قدرت!

گفتگو با رحمان حسین زاده  
عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته کردستان حزب



**جوانان کمونیست:** در هفته های اخیر شاهد تحركات برجسته ای در شهرهای کردستان بوده ایم. تشکیل انجمن معلمان، اعتراض گسترده کارگران و مردم به جنایت خاتون آباد و تظاهراتی جوانان و مردم علیه مضحکه انتخابات. جایگاه این تحولات چیست؟

**رحمان حسین زاده:** تحولات قابل انتظار و اما بسیار مهمی بودند. جنبش کارگران و مردم از موقعیت تعرضی جدیدی جمهوری اسلامی را به مصاف میطلبند. در جریان اعتراض علیه مضحکه «انتخابات» جمهوری اسلامی و نمایش انتخابات و مهرهای قدیم و جدید «مجلسی» مستقیماً زیر ضرب قرار گرفتند. در ستادهای «انتخابات» در مرزها بسته شد و مردم علناً گفتند در این شهر «انتخابات بی انتخابات» جالب است این اعتراض به روستاهای حومه مرزها و سنجاب هم کشیده شده و طبق آخرین اخبار مردم معترض مزدوران کاندید شده را در چند روستای اطراف هم رسوا کرده و بیرون راندهاند.

مسئله مهم دیگر اعلام همبستگی و حمایت از مبارزات کارگران خاتون آباد است. کارگران و مردم دارند در اقصی نقاط ایران همدیگر را پیدا میکنند و دست در دست هم میگیرند. این نمایش همبستگی طبقاتی و انسانی و نشانه رادیکالیسم بالای موجود در جنبش سیاسی شهرهای کردستان است.

جنبش انسان حذب به دور از علقه‌های «محلی و ملی و محدودکننده» عروج خود را نشان میدهد. این فاکتور بسیار مهمی است که لازمست تاوان آن را تضمین کنیم. تشکیل انجمن معلمان، نشان میدهد تناسب قوا به نفع مردم بسیار تغییر کرده و دوره ایجاد تشکلهای تودهای ادامه کار بخشهای معترض و حذب جامعه است.

خلاصه کنم جنبش انقلابی کارگران و مردم، در موقعیت تعرضی جدیدی علیه جمهوری اسلامی است و بیش از پیش با سیمای سیاسی رادیکال و پراتیک متمایز میروند هدایت گر تحولات جامعه و تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی باشد.

**جوانان کمونیست:** نقش حزب کمونیست کارگری و جنبش کمونیست کارگری در این تحولات چیست؟

**رحمان حسین زاده:** نقش جنبش و حزب ما شفاف و قابل مشاهده است. در مبارزات سالهای اخیر، کمونیسم کارگری پرچم‌دار اعتراض علیه جمهوری اسلامی بوده است. نه تنها در تحولات اخیر بلکه به طور

میکند. به لحاظ فکری و سیاسی و علمی جوان امروزی میخواهد به آخرین دستاوردهای پیشرفته انسان متکی باشد، ناسیونالیسم کرد با موعظه حفظ «میراث فکری و سیاسی و فرهنگی خودمان» دارد آنها را به صد سال قبل برمیگرداند. در یک حمله ناسیونالیسم کرد به گذشته دور تعلق دارد، نسل جوان به حال و آینده مربوط است و تناقض بین جوانان و ناسیونالیسم کرد در همین جا است و به همین دلیل ناسیونالیسم کرد نه تنها بستری نیست که جوانان به آن امید ببندند بلکه مانع پیشرفت این نسل است. در همان مقطع انقلاب ۵۷ و سالهای بعد از آن ما این تجربه را دیدیم که جوانان از ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات دوری گرفتند و عمدتاً به جبهه چپ و کمونیسم پیوستند. نکته مهمتر این دوران در مقابل صف ناسیونالیسم، صف آزادیخواهانه و مترقی و سنت شکن کمونیسم کارگری با برنامه‌ای همه جانبه در صحنه حضور دارد. نسل جوان در کردستان آلترناتیو دارد. کمونیسم کارگری نیروی قوی در میان جوانان است و موقعیت محکم و امید بخشی دارد.

**جوانان کمونیست:** آیا فکر نمی کنید شرایط برای فعالیت های علنی توده ای حزب (و شاید حتی بیشتر سازمان جوانان کمونیست) در بین جوانان، چه در دبیرستانها و دانشگاهها و چه محلات آماده است؟ آیا اشکال و فعالیت های معینی در دستورات هست؟

**رحمان حسین زاده:** چرا! فکر میکنم قبل از هر چیز حزب و سازمان جوانان کمونیست سریعاً میتوانند در محیطهایی که اشاره کردید شبکها کمونیستی هم خط و مرتبط با خود را وسیعاً گسترش دهند. این شبکها ابزار وجود اجتماعی بکنند. مبتکر و برپایی اعتراضات، ایجاد اتحاد و تشکل و ناظر کردن همومونی سیاسی و رهبری خود بر فعل و انفعالات محیط مستقیم فعالیت خود باشند. در شرایط مناسب کنترل محله و دانشگاه و مدارس را از دست رژیم و عوامل آن در آورند.

**رحمان حسین زاده:** از نشریه شروع کنیم، تا آنجا که در دسترس قرار گرفته، با استقبال خوبی در کردستان و در میان نسل جوان روبرو شده است. در جریان ملاقاتهای حضوری که داشتیم، و یا ارتباطاتی که بوده، این قضاوت را شنیدیم، که جذاب و جدلی و متنوع است. با موضوع کارش در میان جوانان آشنا است، در مجموع ارزیابی مثبت و خوب شنیدیم

و راستش خودم هم همین ارزیابی را دارم. مشکلی که هست و البته شامل حال بقیه نشریات دیگرمان هم میشود، این مسئله است که در کردستان تیراژ نشریاتمان و از جمله جوانان کمونیست هنوز جوابگو نیست و دستنارگان کمونیسم کارگری و علاقمندان در شهرها از دست آن مینالند. باید فکری کرد.

جوانان، نیروی اصلی شبکهای مبارزاتی کمونیسم کارگری را تشکیل میدهند. سازمان جوانان کمونیست، سازمان معتبر و میلیتانت و محبوبی در میان آنها است. اما قبلاً هم گفتیم در بعد سازمانی نوعی درهم آمیختگی با تشکیلات محل کار و زیست مستقیماً تحت هدایت تشکیلات کردستان وجود دارد. قضیه به این شکل است، که حزب کمونیست کارگری دارای شبکهای سازمانی آکتیو عمدتاً متشکل از جوانان آگاه و پرشور در شهرهای کردستان است و این از قبل اساساً از طریق تشکیلات کردستان حزب و مستقیماً از طریق حزب پیش رفته است. در دوره اخیر در همفکری

راستا بوده و نشان داده که، حزب کمونیست کارگری از رهبری و امکانات و پتانسیل سازماندهی تعرض مردم علیه جمهوری اسلامی و در آوردن شهرها از کنترل رژیم و گرفتن قدرت برخوردار است. گامهای قابل مشاهدهی برداشتهایم اما به مراحل حساستری نزدیک میشویم، ملزومات جدیدی میخواهد، نقشه همه‌جانبه‌تر و عملی‌تری را میطلبند. طبعاً کمبودهایی داریم و باید سرعت جبران کنیم. داریم برای این موقعیت خود را آماده و آماده تر میکنیم.

مسئله مهم اینست که مردم آماده‌اند. کمونیسم کارگری موجودیت اجتماعی بزرگ و نیروی فعالی در شهرها و طیف وسیعی از رهبران، شخصیتها و کادرها و فعالین سرشناس، پخته و باتجربه و مورد اعتماد این مردم را دارا است. این پتانسیل با تمام توان باید روی غلطک بیافتد و به حرکت درآید و جامعه را از حاکمیت جمهوری اسلامی رها کند و اوضاع را به دست بگیرد. این محور کار همین امروز ماست.

**جوانان کمونیست:** نسل جوان در این تحولات کجاست؟ این نسل به طرف کدام افق تمایل دارد؟ مشخصاً مرزیندی هایش با ناسیونالیسم در کجاست؟

**رحمان حسین زاده:** نسل جوان نقش محوری در این جنب و جوش اعتراضی دارد. واضح است که به افق چپ و کمونیستی متمایل است. کمونیسم کارگری نیروی قوی و بالفعل در میان جوانان است. در مورد بخش آخر سؤال، قبلاً در مصاحبه دیگری با جوانان کمونیست شماره ۷۵ دلایل فاصله گرفتن جوانان از ناسیونالیسم و نزدیکیشان به کمونیسم را چنین گفتیم.

نسل جوان عموماً ضد تبعیض و استثمار و ستم و متمایل به چپ جامعه است، ناسیونالیسم کرد بر عکس حافظ اینها و قطب راست جامعه است. ناسیونالیسم کرد مذهب زده است، نسل جوان گریزان از مذهب و ضد مذهب است. ناسیونالیسم کرد در فرهنگ و سیاست و رفتار شرق زده و عقب مانده است، این نسل غرب گرا و ملرن است. در برخورد به عشق و علاقه و شادی و نیازهای جنسی و رابطه آزاد بین دختر و پسر و زن و مرد ناسیونالیسم کرد ارتجاعی، مرد سالار و ناموس پرست و فرهنگ و رفتار اسلامی دارد و نسل جوان با نفرت دارد علیه این پدیده‌ها قیام

با دبیر سازمان جوانان کمونیست در فکر تفکیک تشکیلاتی این شبکها بودیم، مجموعاً احساس کردیم ضرورتی ندارد و زیاد هم عملی نیست. مهم اینست بتوانیم به مشغله‌ها و مسائل سیاسی و فعالیتی جوانان بیشتر بپردازیم، استحکام سیاسی و فکری و پراتیکی شبکهای جوانان کمونیست را در محله، دانشگاه، مدارس، در محل کار و هر جا که هستند، تامین کنیم، راه و چاه گسترش این شبکها و دخالتگری آنها در مبارزات جاری را نشان دهیم. و این عمدتاً از دست نشریه جوانان کمونیست برمیآید. اگر توضیحاتی داشته باشم اینست، به مسائل مشخصی که جوانان در کردستان با آن دست و پنجه نرم میکنند بیشتر بپردازیم. طبعاً نشریه ایسرا و تبلیغات کمیته کردستان هم در این زمینه باید تغییر جلی بکنند.

**جوانان کمونیست:** آیا فکر نمی کنید شرایط برای فعالیت های علنی توده ای حزب (و شاید حتی بیشتر سازمان جوانان کمونیست) در بین جوانان، چه در دبیرستانها و دانشگاهها و چه محلات آماده است؟ آیا اشکال و فعالیت های معینی در دستورات هست؟

**رحمان حسین زاده:** چرا! فکر میکنم قبل از هر چیز حزب و سازمان جوانان کمونیست سریعاً میتوانند در محیطهایی که اشاره کردید شبکها کمونیستی هم خط و مرتبط با خود را وسیعاً گسترش دهند. این شبکها ابزار وجود اجتماعی بکنند. مبتکر و برپایی اعتراضات، ایجاد اتحاد و تشکل و ناظر کردن همومونی سیاسی و رهبری خود بر فعل و انفعالات محیط مستقیم فعالیت خود باشند. در شرایط مناسب کنترل محله و دانشگاه و مدارس را از دست رژیم و عوامل آن در آورند.

همچنین شرایط برای سازمانیابی توده‌ای هم آماده است. اینترا اخیراً در مطلبی به مناسبت ایجاد انجمن معلمان کردستان هم نوشتم. به نظرم میتوان ایجاد مجامع عمومی در دانشگاه و مدارس، در محله و محل کار و... حول مطالبات سیاسی و صنفی را سریعاً در دستور گذاشت. فکر میکنم میشود این مجامع عمومی را منظم و پایدار کرد و در واقع شورای پایه را ایجاد کرد. ایجاد شورای دانش آموزان، دانشجویان در چنین شرایطی ممکن است. علاوه بر دامنه زدن به مجامع عمومی و شورا بنا به شرایط مشخص، دیگر اشکال سازمانیابی توده‌ای متعهد به تحقق مطالبات مردم، در میان کارگران، زنان، جوانان، معلمان و دیگر بخشهای مختلف مردم به نام انجمن و کانون و اتحادیه و غیره را هم باید تجربه کرد. میشود این تشکلهای را به مجمع عمومی تشکیل دهنده‌اش متکی کرد. سیاست رادیکال را در آنها جاری کرد. فراخوان ما به عنوان حزب و طبعاً به عنوان سازمان جوانان کمونیست و داشتن نقشهای فکر شده، بسیار تعیین صفحه ۷

# تئوری یا خلسه شکست و انزوا؟

## مصطفی صابر

دوست عزیز! که (محمد از هملان) امضاء کرده اند این نامه را برای ما فرستاده اند:

«دوستان عزیز! در کنار سطح نازل تئوریک نشریه جوانان (کمونیست) لزوم به انتشار یک نشریه تئوریک جهت پلیس با جریانهای چپ کمونیست می باشد. بنظر اینجانب نبود آگاهی های کمونیستی در مبارزات کارگری در قیام ۵۷ باعث برقراری مجدد سرمایه داری در شکل تنوکراسی شد. همانگونه که مارکس در مانیفست کمونیست از لغو مالکیت خصوصی و لغو کار مزدوری و داغان کردن ماشین دولتی سخن میراند چرا شما بجای سازمانیابی طبقاتی و بردن آگاهیهای کمونیستی در میان طبقه کارگر فقط چشم به تسخیر قدرت حاکمه دوخته اید. مگر شکست انقلاب اکتبر درسی برای ما نیست که حزب کمونیست نمی تواند بجای طبقه کارگر خود قدرت را بدست گیرد. چرا به جای تحریم نمودن انتخابات این آگاهی را به درون کارگران و استثمار شوندهگان نمی بریم که در عصر گندیدگی سرمایه داری پارلمان و پارلمنتاریسم تنها ابزار غیر مستقیم سرکوب طبقه استثمار شونده است. حال که سرمایه خصلتی جهانی پیدا کرده است چرا در راه ایجاد حزب کمونیست این الملل با دیگر جریان هایی که قدم برداشته اند در جهت ارتقاء خود پلیس سیاسی نمی کنید. با سیاس، اگر در نشریه جوانان درج شود نظرات شما را خواهیم دید.»

محمد عزیز! ای کاش دو کلمه هم میگفتی که چرا «سطح تئوریک» نشریه ما «نازل» است. البته که نشریه ما نه می خواهد و نه باید یک نشریه تئوریک به معنی احض باشد. نشریه ما کار خود را دارد که از عهده یک نشریه تئوریک بر نمی آید. نشریه ما ارکان سازمان جوانان کمونیست است که می خواهد توده وسیع جوانان را متحد کند و همراه و زیر پرچم حزب کمونیست کارگری ریشه جمهوری اسلامی را در آورد. تا آنجا که به تئوری برمیگردد این نشریه به کوه عظیم تئوری های منصور حکمت و مارکس و لنین تکیه دارد و به شهادت شماره های گذشته اش با تکیه بر همین تئوری مارکسیسم هر مساله ای که جلوی گذاشته اند وارد بحث و پلیس و ارجاع به منابع تئوریک خود شده است. من منکر لزوم یک نشریه تئوریک و جلل با گروههای کمونیستی نیستم. حتی فکر میکنم جلل تئوریک در سطح جهانی یک وظیفه مبرم و به تاخیر افتاده کمونیسم کارگری

است. حتی منکر اینهم نیستم که اگر امکان صفحات بیشتری باشد در همین نشریه بیش از این به مباحث تئوریک بپردازیم، اما، و این اما مهم است، نشریه ما اساسا یک نشریه سیاسی و سازمانگر با وظیفه بسیج و گردآوری قوا برای همان چیزی است که شما ظاهرا با آن موافق نیستید یعنی تصرف قدرت سیاسی و برقراری جمهوری سوسیالیستی. این اختلاف جدی با شماست. من نمی دانم این حکم پیغمبرگونه «سطح نازل تئوریک جوانان» را از کجا آورده اید که چنان برایتان مسلم است که حتی قابل بحث هم نمی دانید. این مساله را مرا بفکر فرو مینماید. بنظر میرسد این اظهار نظر نوعی مد روز است. مطمئن نیستم حتی به شماره های قبلی این نشریه رجوع کرده باشید تا ببینید جواب اغلب سوالات شما بروشنی و از زوایای گوناگون داده شده است. از پیشنهادهای بعدی که آورده اید میتوانم حلس بزنم اصولا نگاه و درک شما و ما نسبت به تئوری، به قدرت سیاسی و به حزب تا چه حد متفاوت است. حکم «سطح نازل تئوریک» پیش از آنکه چیزی در مورد ما بگوید تمایل معینی را نزد شما دارد بازگو میکند. گویی از یک گرایش در سطح جوانان روشنفکر ما سخن میگوید. پس اجازه بدهید کمی به این تمایل و گرایش و درکش از تئوری و قدرت سیاسی و اهمیت حزب بپردازیم.

### اندیشه والا، عمل پست

یک خاصیت چپ سنتی و کلا بقول منصور حکمت الیت روشنفکری که نمی خواهد دنیا را تغییر بدهد این است که گویا تئوری و اندیشه مقام بالایی دارد و هرچه به عمل، به سیاست، به قدرت و به تغییر دنیای واقعی نزدیک میشویم به پستی نزول میکنیم. (به شماره ۹۷ همین نشریه سخنرانی حکمت در کنفرانس سوم رجوع کنید). گویا اندیشه و بیان تئوریک و انتزاعی (حال درستی و غلطی اش به کنار)، حالت متعالی بشر است و عمل و پراتیک زنده انسانی برای تغییر، حالت تنزل یافته اوست. باز بقول منصور حکمت لاید اگر به بیان انتزاعی تری دست بزنیم و مثال شعر بگویم به مقام و منزلت بالاتری دست یافته ایم. (چندانکه شاعر در نزد روشنفکر ایرانی مقامی بی همتا و راز آمیزی دارد!) غافل از آنکه چپ سنتی ما، روشنفکران چپگرای ما با این احترام مذهبی برای تئوری و فعالیت انتزاعی ذهن بشری با این «تئوری، تئوری» کردن صوفی وار خود، آنهم در بحبویه یک انقلاب اجتماعی، اتفاقا دارند فقر مطلق تئوریک خود را به نمایش میگذارند.



نه فقط انفعال سیاسی، انزوا از مسائل اساسی جامعه و قربانی حوادث شدن را فرموله میکنند بلکه در قبال همان معبود خود یعنی «تئوری» و «اندیشه» نیز عمق بیگانگی خود را با تئوری مارکسیسم و بی پایه بودن تئوریک خود را نشان میدهند.

اینان در بهترین حالت درکشان از تئوری در حد درک منفعل و تفسیر گرایانه فوئریاخ در تقابل با ماتریالیسم انقلابی، فعال و تغییر دهنده مارکس است. مارکس در «تزهایی در باره فوئریاخ» که مبنای درک انقلابی خود از اندیشه و عمل بشری را ارائه میدهد، به فوئریاخ میگوید که او «تنها حالت اصیل» فعالیت بشری را پراتیک انسانی را تنها بصورت تظاهر پدید و «بیهودایی» آن درک میکند. او تاکید میکند آنچه فوئریاخ از درک آن عاجز است اهمیت «پراتیک انقلابی و انتقادی» انسانهاست. این «پراتیک و محک شناخت و در عین حال تغییر دنیاست. نه ماتریالیست بودن و نه دیالکتیک بودن وجه ممیزه مارکس از متفکران پیشین خود نیست. جوهر تئوری مارکس همین تشخیص پراتیک انقلابی و انتقادی انسانها برای تغییر اوضاع خودشان بعنوان مبنای فلسفه و نقطه شروع تئوری کمونیسم است. مارکس بر این مبنی تا آنجا پیش میرود که میگوید «فلاسفه به انحاء مختلف جهان را فقط تفسیر کرده اند، نکته اما تغییر آنست!» (برای مطالعه بیشتر به سمینار اول کمونیسم کارگری اثر منصور حکمت، جلد ششم آثار او مراجعه کنید).

### پایه های شیفتگی «تئوری»

چپ های ما در پایه ای ترین سطح این شیفتگی هپروتی برای تئوری و اخ اخ گفتن به عمل سیاسی و رفتن برای قدرت سیاسی را از فوئریاخ گرفته اند. اما فوئریاخ از سر اینها زیاد است و معمولا حتی زحمت خواندن فوئریاخ را نیز به خود نداده اند. فوئریاخ فیلسوف برجسته قرن نوزدهم است که با پراتیک خود یعنی فعالیت ذهنی برای حل مسائل اساسی فلسفه نقش مهمی در شکل گیری نقد مارکس از هگل و فلاسفه ماقبل خود داشت. چپ ها و روشنفکران چپ ما ۲۰۰ سال بعد دارند بیخبر از دار و دنیا یک چیزهایی را تکرار میکنند که منطقا (و بدون اینکه

خودشان بدانند) به فوئریاخسیم و فلاسفه قبل از مارکس میرسند. این شیفتگی برای «تئوری» نزد روشنفکران ما که بمجرد آنکه سرشان (بوی قرمه سبزی) میگرد به آنها هجوم می آورد، ریشه در مسائل واقعی دیگری دارد. اختناق اسلامی و جهانسومی در ایران یک دلیل جدی آن است. در این محیط مختنق که فعالیت آزادانه سیاسی و از جمله بحث و پلیس سیاسی ممکن نبوده است، روشنفکر را مجبور کرده است که بسیار انتزاعی و با ایما و اشاره (که گاه به آن «تئوری» هم میگویند!) حرف بزند. اهمیت شاعر و حرفهایی پر راز و رمز زدن از همینجا می آید. این پدیده وطنی را باید در بحران ایدئولوژیک بورژوازی جهانی، به بن بست رسیدن انواع و اقسام تئوری ها و توجیحات بورژوازی بعد از سقوط سرمایه داری دولتی شرق و پایان جهان دوقطبی، تأخیر در به میدان آمدن یک جنبش فکری و انقلابی جهانی (که فقط میتواند کمونیسم کارگری باشد) ضرب کرد. نتیجه همه اینها بعلاوه شیفتگی ذهنیت ایرانی به عرفان و هپروت باعث شده که برای مثال مزخرفات دست دوازدهم از پست مدرنیسم (در حالی که خود پست مدرنیسم در غرب دچار بحران و بن بست است) خریداری پیدا کند. باعث شده که «روشنفکر» قبل از آنکه به عمل سیاسی زنده جلب شود به افیون «تئوری» پناه ببرد.

اما این دوره سردرگمی ایدئولوژیک و تئوریک چه در جهان و چه بویژه در ایران در پایان خویش است. خوشبختانه ما در ایران یک جنبش قوی و انقلابی نسل جدید برای رهایی از شر حکومت اسلامی را داریم. این جنبش تئوری های خود را می خواهد و نیاز دارد که پا روی زمین واقعی بگذارد و نشان بدهد که چگونه از سد جمهوری اسلامی عبور کند، به قدرت سیاسی چنگ بیاندازد و زندگی انسانی بنا کند. خوشبختانه در ایران ما یک جنبش رویه اعتلاء کمونیسم کارگری با غنی و استحکام تئوریکی بی مانندی داریم که پاسخ این نیاز است. تا آنجا که به فعالیت فکری جوانان بر میگردد ما با روی آوری بیش از پیش آنها به مارکسیسم و مشخصا منصور حکمت روبرو هستیم. این تیز و روند فعال و بالنده در بین روشنفکران جوان است، با اینهمه ما با تنم گرایشی که فوفا برشمریم مواجه ایم. باید این گرایش را تماما به کنار زد. باید نشان داد که در این جدال بحث ابتدا بر سر تنزل تئوریک یکی و اعتلاء دیگری نیست. بحث بر سر کدام تئوری است. اینجا، جدال بین تئوری انقلابی، زنده، معطوف به پراتیک مارکس و حکمت برای تغییر دنیا از یکسو با انواع اقسام تئوری های باسیفستی و پوسیده بورژوازی برای ممانعت از عروج چنان جنبشی برای تغییر، از سوی دیگر است. باید نشان داد که چپ های سنتی و روشنفکران وطنی استاد دست به سر شدن با تئوریهای بی سر و ته هستند تا در دنیای واقعی شکست



## تئوری یا خلسه

و از ما آساید و فول میگردد.

### انقلاب اکتبر: حزب و طبقه

«شکست انقلاب اکتبر» برای این چه شده است منبعی از احکام مفت و مجانی و اثبات نشده در مورد اینکه چرا کمونیستها باید تحولات اساسی جامعه و در محور آن قدرت سیاسی برکنار باشند (یا در بهترین حالت به محفل مانیفست خوانی شان بسنده کنند، احساسات انقلابی و جوانی شان را ارضاء کنند و قدرت را به احزاب بورژوا واگذار کنند). در محور چنین «درس آموزی» از انقلاب اکتبر، نفی آموزش های مارکس و لنین در مورد اهمیت حزب سیاسی و نقش آن در پیروزی طبقه کارگر است. این چه حتی یک دو روز به خود زحمت نیاورده و تقد حاضر و آماده منصور حکمت بر تجربه شوروی (به سبب حکمت رجوع کنید) را بدقت و بطور انتقادی مطالعه نکرده تا بداند که حقیقتا آنجا چه اتفاقی افتاد. با خیال راحت در باد نقد چه داشگی و پرفیسورهای بورژوا و تبلیغات سنگین و ضد کمونیستی رسانه های بورژوازی میخوابد و احکام چه های تروتسکیست و نقدهای دمکراتیک تجربه شوروی را که اینور و آنور شنیده تکرار میکند. نه اینکه حتی در این نقدها بطور جنی مطالعه کرده و در باره آنها تعمقی کرده باشد. خیر. صاف و ساده آنها را می پذیرد چون با تمایل او که نمی خواهد زندگی همین امروز مردم را فوراً تغییر دهد چور در می آید. بطور عجیبی بزرگترین آموزش انقلاب اکتبر، یعنی نقش پیشناز حزب در انقلاب کارگری و تصرف قدرت را که مهمترین درافزوده لنین و انقلاب اکتبر به مارکسیسم است را درست دلیل شکست انقلاب اکتبر قلمداد میکند! راز عظمت انقلاب اکتبر (که حتی با وجود شکست اش در سالهای بعد، مسیر تاریخ قرن بیست را تغییر داد) در آنجا بود که لنین پیش افتاد و حزب بلشویک را دنبال خود کشاند که باید قیام کرد و قدرت را گرفت و به شوراهای داد. تصرف قدرت در سیاسی «در یک روز چهارشنبه» و نگه داشتن آن توسط حزب پرولتاریا و شوراهایش «در روزی» بود که تاریخ بشر را لرزاند. اما مهمترین «درس» این چه عزیز ما از انقلاب اکتبر این میشود که درست همین یک کار را نباید کرد! و اینرا بعنوان «تئوری» به نگاهی عاقل اندر سفیه بدیگران اعلام میکند. آنجا که حزب بلشویک متاسفانه و در غیاب لنین از انجام وظایف اقتصادی انقلاب پرولتری ناتوان میماند و مقهور افق بورژایی در برنامه اقتصادی میشود، از نظر این چه مقطع شکست انقلاب اکتبر نیست. بنظر او انقلاب اکتبر شکست خورده بدینا آمده بود. بنظر ایشان مقطع شکست آنجایی است که حزب بلشویک به لطف لنین وظیفه

نبود حزبی بود که مانیفست و لغو مالکیت خصوصی را به سیاست و تاکتیک روز تعریف کند، حول آن سازمان بدهد و طبقه کارگر را تحت هدایت خود به جدال قدرت بکشاند. نه فقط این نبود که چه داشت عملا کارگران را پشت سر خمینی می کشاند و این خود کارگران و پراتیک عظیم و توده ای آنها بود که گام ها جلوتر از آن چه قدم بر میداشت و با جنبش شورایی اش و با درخواست داشتن نماینده در «شورای انقلاب» و کلا با گزینه خود تلاش هایی برای حل و فصل مساله قدرت سیاسی به نفع خود میکرد. اگر بخوایم درسی از انقلاب ۵۷ بگیریم همانا این بود که طبقه کارگر برای جدال بر سر قدرت سیاسی با تمام قوا و با روشن بینی وارد نشد و علت اصلی آن فقدان حزب کمونیستی معطوف به قدرتش بود. حتی اگر چه آنوقت و مشخصا فدائیان خلق (با همه بی ربطی اش به کمونیسم) جریانی بود معطوف به قدرت سیاسی، اگر بجای ظاهر شدن با نقاب در تلویزیون مثلا شبیه به کنگره ملی آفریقا و سانیت های نیکاراکا گوته ظاهر میشد (که البته معلوم شد اسلامی تر و ملی تر و بی بته تر از این حرفها بودند) میتوانست سرنوشت جامعه ایران را عوض کند. تجربه انقلاب ۵۷ بروشنی بر ضرورت یک حزب انقلابی سیاسی تاکید گذارد. چیزی که ما در صد جبران آن هستیم.

### خودتان قضاوت کنید

برای اینکه بدانید این دیدگاه شما در قبال تئوری و حزب و قدرت تا چه حد در دنیای واقعی شما را به خطا میبرد، به توصیه تان در مورد انتخابات رژیم دقت کنید. بر خلاف آنچه که شما میگویید این به اصطلاح انتخابات هیچ ربطی به «پارلمان» ندارد. (ضمنا آخرین کلام مارکسیسم در باره دمکراسی و پارلمان را میتوانی در نوشته «دمکراسی، تعابیر و واقعیت ها» اثر حکمت ملاحظه کنید.) ما اینجا برای مثال با جدال پارلمانی حزب لیبر و حزب محافظه کار انگلیس روبرو نیستیم که حالا مطابق توصیه شما به طبقه کارگر بگوییم «در عصر گنبدیگی سرمایه داری پارلمان و پارلمانتاریسم تنها ابزار غیر مستقیم سرکوب طبقه استثمار شونده است». اگر این کار را بکنیم دعوی اوایش اسلامی بر سر مجلس مسخره اسلام را به مقام «پارلمان» و «پارلمانتاریسم» ارتقا داده ایم. خوب که دقت کنید این خواست خود رژیم است که مجلس اسلامی و شورایی ننگبان کنایی اش را بعنوان «پارلمان» جا بزند. ترویج همیشگی آموزش های مارکسیسم در باره دولت و پارلمان و غیره به جای خود، اما راستش کارگران یک آن این مجلس اسلامی را با پارلمان بورژوایی اشتباه نگرفته و نمی گیرند. نقد پارلمانتاریسم در قبال این مجلس اسلامی موجب تعجب و حیرت آنها خواهد شد. توصیه شما تنها خاصیتی که دارد

اش را درست شناخته و طبقه کارگر را پشت سر خود و برای تصرف قدرت سیاسی بسیج کرده بود. توضیح هم اینست که گویا طبقه کارگر آماده نبوده است. (لابد یک صد سالی تزار و کرنسکی و جانورهای دیگر باید حکومت میکردند تا پرولتاریا آماده شود!) گویا حزب بدون طبقه قدرت را بدست گرفته است. با این کار آب پاکی بر تمام تلاش های شورانگیز کارگران روسیه و آموزش لنین که بر نقش پیشناز حزب در بسیج طبقه کارگر، اهمیت تصرف قدرت سیاسی در متشکل کردن طبقه کارگر تاکید دارد میریزد و در عوض شما را با یک دو قطبی هیروتی حزب و طبقه رها میکند: طبقه ای که در مقابل حزب اش هست. حزبی که در مقابل طبقه اش است!

جالب اینست که اگر حزب بورژوایی قدرت را بگیرد و طبقه کارگر را با اصلاحات جزئی پشت سر خود بسیج کند، شدنی است. اما اگر حزب کمونیستی با اتکاء با اقلیت لازمی از خود طبقه کارگر و مردمی که به او پیوسته اند قدرت را تصرف کند و طبقه کارگر را بصورت قدرت حاکمه سازمان دهد، غیر ممکن و خطاست. در این معمای دو قطبی حزب و طبقه معلوم نیست بالاخره حزب چطور بدون هجوم آوردن برای قدرت سیاسی (چون «بدون طبقه» نباید این کار را بکند!) اصولا میتواند حزب سیاسی شود و نیرو جمع کند. و چطور قرار است و چرا باید طبقه کارگر حول حزبی که اولین مشخصه حزب سیاسی بودن، یعنی معطوف به قدرت بودن را ندارد متشکل شود. (و همینجا معلوم میکند که خود مفهوم طبقه در نزد این چه چقدر ذهنی و متشکل از آدمهای عجیب و غریب است!) خلاصه این یک معمای مرغ یا تخم مرغی است که چه عزیز با تبختر بعنوان تئوری به ما عرضه میکند. (برای مطالعه بیشتر به بحث حزب جامعه منصور حکمت رجوع کنید.)

### درس بزرگ انقلاب ۵۷

با توجه به این توضیحات باید تلویحا به سوال شما که چرا به جای «سازمانیابی طبقاتی» ما «چشم به قدرت» دوخته ایم، جواب داده باشیم. باید روشن باشد که ما اتفاقا داریم حول تصرف قدرت سیاسی سازمانیابی طبقاتی میکنیم و این بویژه در شرایط امروز ایران تنها راه صحیح است. در هر حال ما در شماره ۱۲۶ جداگانه و در سطحی مشخصتر به این موضوع پرداخته ایم و رابطه مبارزه برای قدرت، حزب و طبقه را توضیح داده ایم. اما در مورد انقلاب ۵۷ یک اشاره کوتاه بد نیست.

میگویید که «نبود آگاهی های کمونیستی» سبب روی کار آمدن جمهوری اسلامی شد. اگر آگاهی های کمونیستی عبارت از اصول صحیح مندرج در مانیفست کمونیست باشد، مانیفست بطور مکتوب و در تیراژ وسیع در اختیار بخش اعظم چه کارگران کمونیست بود. آنچه که

## (اول کودکان) بزودی منتشر خواهد شد (اول کودکان) مجله ای در دفاع از کودکان به سردبیری ثریا شهابی بزودی منتشر خواهد شد.

اول کودکان میخواید صداي اعتراض کودکان فقرزده، مذهب زده، مورد اذیت و آزار جسمی و روحی قرار گرفته و تربیون کودکان بی پناه و بی حقوق باشد. هدف مجله «اول کودکان»، ساختن ابزار دیگر و برنده تری برای تغییر اوضاع بنفع کودکان است. با این نشریه همکاری کنید.

انعکاس وضعیت کودکان، شناسایی حقوق پیشرو در زمینه حقوق کودک، مبارزه با باورهای عقب مانده، مذهبی و ارتجاعی در مورد رابطه دولت، جامعه، بزرگسالان و اولیا و سرپرستان با کودکان، و معرفی کمپین های سازمان اول کودکان در دفاع از حقوق گروه های مختلف کودکان، تم هایی است که این نشریه به آنها خواهد پرداخت.

با این نشریه همکاری کنید. اول کودکان، نشریه نهاد اول کودکان است اما مجله ای برای کودکان نیست. همچون سازمان «اول کودکان»، موضوع کار آن کودکان است اما اساسا مخاطب اش بزرگسالان است.

برای آن بنویسید و با آن همکاری کنید! اول کودکان رسانه ای باز و همگانی است. تنها تعهد آن دفاع از حقوق کودکان است. گاهنامه ای است که چهاربار در سال منتشر میشود و با کیفیت خوب چاپ و توزیع خواهد شد.

از آغاز کار، دست همکاری همه علاقمندان به فعالیت برای کودکان را به گرمی می شماریم!

علاقمندان به همکاری با این نشریه را دعوت می کنیم که با ما تماس بگیرند. ایمیل: childrenfirstpathcom.com  
فاکس: Fax: 1-781-735 8359  
تلفن: 44-794 430 763

### دفتر مرکزی اول کودکان

۱۱ فوریه ۲۰۰۴ (۲۲ بهمن ۱۳۸۲)

### بین الملل کمونیستی

محمد عزیز، حتما برنامه ما «یک دنیای بهتر» را خوانده اید. آنجا بند مفصلی در باره هدف ما برای ایجاد یک بین الملل کمونیستی آمده است. ما بسهم خود و با تمام قوا برای تحقق یک انترناسیونال کمونیستی تلاش میکنیم و فکر میکنیم مهمترین گام (در اوضاع فعلی) اتفاقا همان تصرف قدرت سیاسی و برقراری جمهوری سوسیالیستی در ایران است. چنین تحولی ندیدن سیاست و مساله قدرت در عالم واقع، نتیجه شروع نکردن از مقدمات مادی و ساده جامعه میتواند شما را به همینجا ببرد که می بینید. ما بر عکس داریم به کارگران می گوئیم، این انتخابات نه فقط ربطی به پارلمان نداشته و ندارد (برای همین ما حتی سیاست تحریم را هم هیچگاه پیش نکرده ایم) بلکه جلوه ای از جنگ و جدال اوایش اسلامی در روزهای آخر رژیم شان است. پس به میدان بیایید و برای تصرف قدرت آماده شوید. این تنها سیاست کمونیستی درست در مقابل این انتخابات و این تنها آموزش صحیح کمونیستی به توده های وسیع کارگر در باره مساله دولت و پارلمان نیز هست. ما داریم در این «عصر گنبدیگی سرمایه داری» طبقه کارگر را به متشکل شدن و تصرف قدرت و استقرار جمهوری سوسیالیستی فرا میخوانیم و شما توصیه میکنید که ما از دخالت فعال بر سر شکل دادن دولت و قدرت سیاسی دست برداریم و برویم مجلس اسلامی را به مقام پارلمان ارتقاء داده و مضرات پارلمانتاریسم را درس بدهیم! خودتان قضاوت کنید.

در پایان، دوست عزیز امیدوارم از نقد صریح ما به نظراتان دلگیر نشوید. ما رفقا و دوستانی نظیر شما را در مبارزه مان مهم میدانیم و نهایت تلاش خود را میکنیم تا آنها را از غلغله به سرازیری برحذر داریم که ما با زحمات بسیار (از جمله تلاش غول آسای تئوریک منصور حکمت) از انقلاب ۵۷ تا حالا از آن بالا آمده ایم. پیروز باشید.

## نامه های شما

### کیوان از تبریز اینطور بر هم میزنی!

در نامه ای به اسد گلچینی: «دربرز در خیابان کمربندی که اکثر به اصطلاح کاندیدهای انتخابات در آنجا غرفه باز کرده و تبلیغ میکنند درگیری روی داد و مردم شیشه مغازه های آنها را شکستند و شعار آزادی و برابری سر دادند و خواهان جمع کردن بساطشان و انتخابات شدند که نیروی انتظامی فوراً دخالت کرد و مردم هم پراکنده شدند. عکس تمام کاندیداها توسط مردم پاره میشود.»

### ح. که از ترکیه میخواهم با شما باشم

در نامه ای به بهرام مرسوی: «سلام بر شما. من ۲۸ سال سن دارم. قبلاً با حزب دمکرات بودم و حالا پناهنده هستم و در ترکیه زندگی میکنم. من دائماً نشریه شما را میخوانم و دوست داشتم با حزب شما بیشتر آشنا شوم. حتماً راهنمایی های شما مشمر ثمر هستش.»

### امضاء محفوظ فرشی از اطلاعیه!

«بهرام عزیز، طبق یک کار فشرده و اصولی در این هفته طبق رهنمودهای شما در نشریه به پخش وسیع اطلاعیه های حزب و سازمان جوانان دست زدم. اکنون اوضاع به گونه ای است که ماموران رژیم از اینکه اینچنین خیابانها با اطلاعیه های ح.ک.ک فرش شده به خشم آمده اند و کنترل شدید حکمفرما شده است...»

### عیسی از تهران به ما خواهند پیوست

«بهرام جان سلام، چند روز دیگه به انتخابات نمونده به همه بگو که نهایت تلاششون را بکنند. من و رفقا با خیلی ها صحبت کردیم که در روز انتخابات تو خیابونها جمع بشند و اعتراض خودشون را نشون بدهند و من با پوسترهای جورواجور نیاز دارم. سعی کنید این پوسترها را تا چهارشنبه به من برسونید. من از طرف خودم از رفقا خواهش میکنم که همه پوسترها را به باجه های رای بچسبونند و به همه خونه ها بینازند. بهرام جان از شما هم خواهش میکنم نهایت تلاششون را از طریق رسانه ها و رادیو انجام بدین شما که اینجا نیستین و نمی بینین که ما چه بلبختی میکنیم. مطمئن باشید که این مردم هم بزودی به ما خواهند پیوست...»

### اسد حکمت اصفهان مانع اقدام کبرا شویم

«بهرام عزیز و دوست داشتنی ام، چند روزی است که حکم اقدام کبرا رحمانپور قطعی شده است. چرا حرکت ک دست به هیچ کاری نمی زند، چرا لااقل یک طومار اینترنتی منظم جمع نمی شود، چرا فراخوان به دیوار نویسی

نمی دهد؟ در اصفهان این شعار ها بر دیوار نوشته شده است: کبرا رحمانپور فوراً آزاد باید گردد، زنده باد مینا احدی و... ولی با این وجود جامعه رغبت نشان نمی دهد. در خواب فرورفته اند و این بی اعتنایی ها و سر در لاک خود کردن ها ما فعالین سیاسی را دلسرد میکند. حال در چنین شرایط بی اعتنایی حزب دیگر نباید مکتب بی اعتنایی و پاسیفیسیم مردم شود.»

### پسرخاله از تهران همه چیز یخ زده

«سلام، نابودی این رژیم با این اوضاع سال های بیشتر از آنچه که در ذهن ماست طول میکشه، مگر اینکه خورشیدی یخ ملت رو ذوب کند! اینجا همه چیز یخ زده! اکثریت مردم نه اینترنت دارند و نه ماهواره. اونهایی هم که ماهواره دارن اکثراً بورژوازی. فکر میکنید چند نفر از کارگر های شهر بانک ماهواره دارن؟ باور کنید هیچکدام پول نان ندارند پول قبض آب و برق ندارند، رادیو یا پارازیت های سرسام آور کسی حوصله گوش دادن نداره، اگر هم پارازیت نباشه حوصله و زمان گوش دادن واسه ملت نیست. یه راهی هست، راهی که معجزه میکنه. تلویزیون و دریافت کننده بدون پشقاب... راه دیگه ای نیست...»

پسرخاله عزیز! شاید در فاصله ارسال نامه ات تا دریافت این نشریه نظرت عوض شده باشد. شاید همه چیز «یخ زده» به نظر برسد اما همه شواهد نشان میدهد که این آرامش پیش از طوفان است. مردم به شدت عصبانی اند. این عصبانیت را نشان خواهند داد. عمر رژیم اسلامی هم به اندازه به ثمر رسیدن تلاش های ما برای متشکل کردن مردم و برپا کردن جنبش عظیمی است که این نکبت را زیر جثه خود له کند. شواهد نشان میدهد این جنبش به پا میخیزد. برای مثال حمایتی که از اعتراض کارگران خاتون آباد شد، در نوع خود بی سابقه است. اخبار آن در سایت روزنه هست.

### س. گ. تهران تو خونه نمی نشینیم!

«سلام بهرام جان. ما داریم در تهران آماده میشیم تا در روز اول اسفند مراکز انتخابات را بر سرشان خراب کنیم. در آن روز باید کسی در خانه نماند که مسئولان رژیم اسلامی از در صحنه نبودن مردم بیشترین استفاده را میتوانند بکنند. همچنین سوال دارم، آیا ممکنه جمهوری اسلامی در انتخاباتشون تقلب کنند؟ (به نظر من حتماً این کار رو خواهند کرد، چون با این وضع ۵ درصد مردم هم رای نمی دن!)»

### «یک جوان ساکن تهران» راهپیمایی و ضربه کاری

در نامه ای به اسد گلچینی: «میخواهم جو ایران و در این روزهای انتخابات شرح بدم. اولاً که در مورد راهپیمایی میلیونی به قول خودشون بگم که هر سال جمعیت وفادار به انقلاب (اسلامی) کمتر میشه. تازه نصف جمعیتی که

## لیخند ژوکوند

از صفحه ۸

این برادران در عین حال در تشریح خواهند بود شاید در روزهای سخت بکار آقا امام زمان بیایند. مقرر شد که مابقی افراد دوم خرداد در اختیار حزب توده، سازمان فدائیان اکثریت و راه کارگر گذاشته شوند تا با تلمذ در محضر رهبران این گروهها بتوانند در زمینه تشخیص و معرفی اسلام واقعی در بین انواع اسلام غیر واقعی و تقلبی اجتهاد پیدا کرده و در آینده در پست سازمانی مناسب مشغول خدمت گردند.

این کمیسیون مقرر کرد به پاس خدمت گرانهای دکتر سیدمحمد خاتمی در براه اندازی و تداوم دوم خرداد که برای مدت ۶ سال ۶۰ میلیون نفر را سر کار گذاشت. ایشان را قاب کرده و در تالار موزه هنرهای اسلامی آویزان کنند تا همه جهانیان از این پس بجای تابلو لیخند ژوکوند، از تابلو سید خندان یاد کنند و نام ببرند تا به این وسیله آوازه اسلام بوسیله لیخند ایشان در همه جهان پیچد و راه برای ظهور حضرتش هموار شود.

و من‌آله توفیق بتاريخ ۱۸ ذیحجه ۱۴۲۴

بعداًتحریر: البته این سازماندهی مجدد تا وقتی معتبر است که حکومت امام زمان و جمیع برادران جناح راست و برادران معزول دوم خرداد توسط مردم بی دین و ایمان ایران به خلافت تاریخ روانه نشده باشند.

از صفحه ۹

## گفتگو با رحمان حسین زاده

و فعالین آگاه کمونیست در محل و حضور شبکه سیاسی و مبارزاتی کمونیستی پرنفوذ، محکم و درهم تنیدهای است که سوخت و ساز این تشکیلات را تامین میکنند. در دانشگاه و مدارس پیش از هر جای دیگر به جلو سوق دادن این رهبران و فعالین و بویژه سروسامان دادن به شبکه جوانان کمونیست گسترده، آکتیو و هم جهت یک اولویت مهم کار این دوره است.

دانشگاه راه نخواهد یافت میخوانند آنها را به پای صندوق بکشانند. یکی از سرمایه دارهای بزرگ و مفتخور که کاندید مجلس شده شناسنامه را با سی هزار تومان جمع میکند تا در انتخابات از آن بهره برد.»

### سروش دانش تهران فینیسیم و سوسیالیسم

مقاله ای ارسال کرده اند که در آن نگاهی انتقادی به فینیسیم و رابطه اش با سرمایه داری و سوسیالیسم دارد. سروش عزیز نکات جالبی در مقاله ات طرح کرده ای که میتواند موضوع بحث جالبی باشد. این شماره فرصت نشد، امیدواریم که در شماره بعد به چاپ مقاله شما و بحث در باره فینیسیم و جنبش رهایی زنان و نقش کمونیستها و پایه های و زمینه های تاریخی آن بپردازیم.

محضر آقای فریبرز رئیس دانا سپرده شوند، تا انشالله با ارشادات این دلسوز شفیق نظام اسلامی بتوانند در شکوفا کردن اقتصاد اسلامی هر چه بیشتر دخیل گردند. آقای محمود دولت‌آبادی نویسنده گرانقدر نیز قبول کرده‌اند تا دوم خردادی‌های قبول شده در یک امتحان دیکته و انشا را که از جانب خود ایشان برگزار می‌شود، زیر بال و پر خود گرفته و در کوتاه مدت چند کاندیدای دریافت جایزه نوبل ادبیات از ایشان در بیابرد. در این راه خانم شیرین عبادی قول مساعد داده‌اند تا با کمک ایشان شاهد کسب مدال ها و جوایز متعدد بین‌المللی بیشتری توسط هنرمندان دوم خردادی باشیم. قرار است اولین گروه دانش‌آموخته بزودی برای دریافت جوایز بین‌المللی سانسورچی شجاع و آخوند خوش آواز معرفی گردند تا دوستان ایشان کنند.

چند نفر از فدائیان دوم خرداد داوطلب شدند که مدتی را در زندان اوین در محضر آقای گنجی بگذرانند، تا بتوانند در آینده آنها را جزو افتخارات دوم خرداد عنوان کنند.

### ع. الف از باکو جنبش دانشجویی جهانی

به علی جوادی: «با سلام، خودم در جنبش دانشجویی آذربایجان شرکت دارم. ما می‌خواهیم با تشکل هایی دانشجویی دنیا ارتباط برقرار کنیم. اگر شما متماثل هستین ارتباطمون رو پیشرفته کنیم. من در باره جنبش دانشجویی ایران کلا اطلاعاتی ندارم. به همین جهت می‌خواهم با شما در باره جنبش دانشجویی ایران و آذربایجان تبادل نظر و مکاتبه کنم. امیدوارم در آینده ارتباطمون با سازمان شما مستحکم بشود.»

### مهران عظیمی ایران روستایان شرکت نخواهند کرد

«این بار بر خلاف دوره های گذشته مردم تبلیغات و پوسترهای هیپیچیک از نامزدها را به دیوار و مغازه هایشان نصب نمی کنند. چون میدانند مورد تمسخر واقع میشوند. حتی مردم روستاها نیز که بیشتر از شهری ها به پای صندوق ها می‌رفتند این بار از هرچه انتخابات زده شده اند. این بار حاکمان به جوانانیکه به سن رای دادن رسیده اند دلخوش کرده اند و با وعده خرمن و یا ترساندن از اینکه به

### سروش آزادی ایران گروه جدید یاهو

در نامه ای به علی جوادی نوشته اند که گروه جدیدی در یاهو گشوده اند و خواسته اند که جهت قرار دادن نشریات حزب و عضویت در گروه شان به ایشان کمک شود. سروش عزیز ما نامه شما را در

## تلویزیون انترناسیونال

**یکشنبه ها و جمعه**  
**۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر**  
**به وقت تهران**  
**ماهواره کانال یک**

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: [wpi\\_tv@yahoo.com](mailto:wpi_tv@yahoo.com)

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

## طول موج جدید رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

## برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

لرزان گفت «ما هرچه داریم از این داریم. راز موفقیت ما قرآن است. من نمی دانم چرا شما ایرانیها از قرآن استفاده نمی کنید؟»

کل مطلب بالا را معلم درس دینی در مدرسه دهخداي کرج سرکلاس دوم دبیرستان تعریف کرده است. یکی از بچه های فامیل آنجا درس میخواند. من این راز را برایتان فاش کردم. اگر پیشرفت کردیم پاداش من فراموشتان نشود.

کرده بود. در آنجا از یکی از بزرگترین دانشمندان ژاپن راز پیشرفت و موفقیتشان را پرسید. دانشمند دوستم را به قصر بسیار زیبایی برد. درون یکی از اتاقهای بزرگ این قصر صنوقی بزرگ بود، در آنرا باز کردند و یک جعبه طلاکوب بسیار زیبا از داخلش درآوردند. راز موفقیت ژاپنیهها در درون این جعبه بود. در جعبه را که باز کردند دوستم متوجه کتابی شد که در آن جعبه محفوظ بود. در این هنگام ژاپنی کتاب را با احتیاط و احترام درآورد و با صدائی

## لبخند ژوکوند دوم خرداد

### بی قافیه

اطلاعات بسیار ذقیمت است، این گروه کماکان به همکاری خود با این وزارتخانه ادامه دهند و از دانش خود برای آموزش کارمندان جدید و مقابله با دشمنان نظام استفاده نمایند. دوم خردادی هایی که در زمینه انتشار نشریات و کتب دارای مهارت شدهاند. به وزارت ارشاد منتقل کردند تا به یمن احاطشان به هنر و ادبیات و روزنامهنگاری در این وزارتخانه به کار ممیزی و ارشاد مشغول گردند.

علاقتمندان به کار سینما از این گروه به کارگردانان شهیر آقایان محسن مخملباف و عباس کیارستمی معرفی کردند تا با کارآموزی در محضر ایشان هم وارد عرصه شکار جوایز فستیوال های سینمایی شده و هم بتوانند در همکاری با وزارت ارشاد در کار ممیزی شمر شمر واقع شوند. آقای سید ابراهیم نبوی شخصا چند نفر از بذله گویان این جمع را انتخاب کردهاند تا آنها را به پاریس برده و در یک دوره فشرده آموزشی به آنان تعلیم طنز نویسی بدهد.

با انجام یک امتحان عملی کسانی که در آزمایش شمردن اسکناس، هنر چانه زنی و قالب کردن جنس، روسفید از آب درآیند به صفحه ۷

با تعطیل شدن بساط دوم خرداد، دست اندرکاران و فعالین اصلاح طلب تقاضا کردهاند تا به سر کارهای سابق خود برگردند. از آنجا که بسیاری از این افراد از ماموران وزارت اطلاعات بودهاند و امکان سازماندهی فوری این تعداد در این وزارتخانه امکانپذیر نیست. و با توجه به اینکه کارکنان فعلی وزارت اطلاعات بعد از ملتی مار خوردن همه اژدها شده و در این وزارتخانه جاجوش کرده و دارای حق آب و گل شدهاند، حاضر نیستند به نفع کارکنان قدیمی کنار بروند. این امر برای زعمای جمهوری اسلامی مشکل ایجاد نموده است.

برای رفع این معضل کمیسیونی متشکل از نمایندگان رهبر معظم، رئیس جمهور محترم و ریاست علیه قوه قضائیه و رئیس مکرّم مجلس شورای اسلامی تشکیل شد تا خدمتگزاران بلا تکلیف دوم خرداد را سر و سامان دهند. کمیسیون مربوطه پس از تشکیل جلسات متعدد و با توجه رهنمودهای مقامات نامبرده و پس از استخاره و سر کتاب باز کردن تصمیماتی به شرح زیر ایراد نمود: از آنجا که تجربیات گرانقدر بعضی از این افراد در وزارت

## کی حریف آتش میشود؟!

### لینک

### علی فرهنگ

### آتش



این چه داستانی است!!! می خواهیم کدامین قصه را دنبال کنیم!!! از این می ترسم پایان قصه به سرکوب مخالفان ختم شود.

اگر گفتگوی متمنانه این است که به کسی بالاتر از گل چیزی نگوئیم من آنرا نمی خواهم.... بردار ارزانی خودت.... من آتش ساکن خاکی آباد.... دختر مصطفی کارگر.. اعلام می کنم آزادی بدون قید و شرط یعنی هر کس آزاده هر حرفی دلش میخواهد بزند. با نام افترا و توهین به مقدسات ووو... غیره آزادی را سرکوب نکنید.

در جمع همیشه هستند یکی دو نفر که در آغاز بحث شروع فحش، آنهم از نوع فامیلی سر می دهند.. بگذارید نوبت بگیرند و فحش خود را بدهند. از دو حال خارج نیست یا

این عده قلیل کم کم به جمع می پیوندند و یا با بی اعتنائی اکثریت صدایشان محو میگردد.

آزادی بدون قید و شرط یعنی همین.. یعنی فردا جلوی آتش گرفته نشود و بگویند آی چرا به رضا شاه دوم آقا نگفتی!!! چرا اعلا حضرت از زیانت افتاد؟؟ چرا به این و آن لقب توده ای دادی که از فحش بدتر بود؟؟

### الکترو بلاگ

<http://electro.persianblog.com>

اینروزها انتخابات مجلس هم شده برای ما دردسر. آخر کدام آدم عاقلی برای چند تا رای تمام در و دیوار شهر را با قیافه های شش در چهار خودش به گند میکشد؟ من که عمرا به این الاغها رای بدهم... تازه وقتی کاشان

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515296 20

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 709 8085

0044 78 90 80 9142

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: امید حدابخشی  
هلند: مجیدپستنچی  
آلمان: ایمان شیرعلی  
سوئد: حامد خلکی  
کانادا: سامان احدی  
انگلستان: فواد عبدالمی  
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری  
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی  
مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

## به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

[www.jawanan.org](http://www.jawanan.org)

ازاین سایت ها دیدن کنید:

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

[www.medusa2000.com](http://www.medusa2000.com)

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

[www.childrenfirstinternational.org](http://www.childrenfirstinternational.org)